

### بررسی ضرورت الحاق ایران به دیوان بین المللی کیفری

کژ هادی نجاری، کارشناس ارشد حقوق بین الملل



با توجه به اینکه اساسترین نیاز جامعه بشریت امنیت و آرامش و گسترش عدالت بوده و هست و نظر به اینکه جامعه بینالملل همواره تجاوزه، نسلکشی و کشتار انسانها را تجربه نموده است و این نیاز احساس گردیده است که باید سازمانی جهت حفظ حقوق انسانها و اجرا عدالت در جامعه جهانی ایجاد گردد. حال آنکه حقوق بینالمللی مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد نیز در وجه عمد آن بر اراده صریح با ضمنتی تابعان آن یعنی دولت‌ها استوار است. با وجود این هر جامعه‌ای نیازمند ساز و کارهایی است که امکان مقابله با موارد نقض قواعد و دفاع از منافع عالی جامعه را، فراسوی اراده تابعان آن، در قالیهای حقوقی و از طریق نهادهای حقوقی دائمی و با صلاحیت اجباری فراهم نماید. جامعه بینالمللی نیز علی رغم تکامل نیافتگی آن از این اصل مستثنی نیست و لذا از زمانی دور شاهد شکلی تدریجی شاخه‌های در حقوق بینالملل تحت عنوان حقوق کیفری بینالمللی هستیم. گذار فرد از موضوع حقوق بینالملل به تابع حقوق بینالملل با سختی، احتیاط و کندگی فراوان صورت گرفته و قابل توجه آن است که این تحول از حوزه حقوق کیفری بینالملل آغاز شده یعنی حقوق بینالملل قبل از آنکه به حقوق فرد بپردازد، وظایف او را تعیین کرده است، وظایفی که عدول از آنها میتواند موجب مسئولیت کیفری فرد گردد. پس از جنگ جهانی دوم، اساسنامه دادگاه نور نبرگ فصل جدیدی را در حقوق بینالملل گشود. به نظر می‌رسد رشد قابل توجه حقوق کیفری بینالملل در دهه اخیر بتوان یکی از آثار جهانی شدن و در عین حال وسیله‌های برای مقابله با برخی عوارض و تهدیدهای ناشی از شتاب فزاینده جهانی شدن تلقی نمود. حقوق کیفری بینالمللی متعلق به لایه مدرن حقوق بینالمللی است که متشکل از حقوق اساسی، اداری و کیفری جامعه بینالمللی متشکل از شهروندان جهانی است. پس از شکل گیری دیوان بین المللی کیفری همواره نظرات گوناگونی پیرامون الحاق یا عدم الحاق ایران در دیوان بین المللی کیفری و جایگاه دیوان در سطح جهان مطرح بوده است. و چگونگی ضرورت الحاق ایران به دیوان و پذیرش موردی قرارداد با دیوان به صورت دو طرفه زمینه ساز الحاق ایران است و با توجه به روند جهانی شدن دیوان در آینده نه چندان دور، دیوان صلاحیت جهانی پیدا خواهد کرد و با اینکه دیوان در مواد (۱۵ مکرر دوم و ۱۶) صلاحیت شورای امنیت جهت ارتعاع پرونده جرم تجاوز را به استناد فصل هفتم مجاز شناخته و عدم الحاق رافع مسئولیت بین المللی نیست و عدم حضور قضات ایرانی در دیوان موجب ازین رفتن حق اتباع ایرانی می گردد. که یکی از مسائل مهم انتخاب قضات اسلامی و ایرانی در دیوان می باشد هر چند قضات در دیوان مستقل عمل می کنند ولی می توانند از حقوق ملت ایران دفاع کنند و حضور قضات ایرانی موجب ارتقاء سطح علمی آنها می شود که در نتیجه این به نفع منافع ملی ایران است. حال آنکه مزایا و ضرورت‌های الحاق ایران به دیوان را مورد بررسی قرار می دهیم که نخستین ضرورتی که در همان ابتدای امر به نظر می رسد بحث پیشگیری از انزوای بین المللی است چرا که نیویوسن ایران به دیوان بین الملل کیفری می تواند موجبات انزوای بین المللی کشورمان ایران را فراهم آورد. همانطور که می دانیم مدها است که شورای گرامیم بسیاری از جمله جرایم نقض حقوق بشر در مورد ایران مطرح است و عدم عضویت ایران در دیوان می تواند برداشت منفی کشورها از ما و تقویت اتهامات و نقض حقوق بشر کمک کند. با در نظر گرفتن تمامی این شرایط و لحاظ کردن این موضوع که دیوان در آینده‌ای نه چندان دور جهان شمول خواهد شد. این نظر که عدم الحاق ایران موجبات انزوای بین المللی

کشور را فراهم خواهد کرد یکی دیگر از نکاتی که می تواند به عنوان یک مزیت برای ایران مطرح شود تلاش برای کم کردن قدرت شورای امنیت توسط اساسنامه دیوان است. با توجه به اینکه امکان کاهش قدرت شورای امنیت و جود دارد بنابراین ایران می تواند از طریق اصلاح اساسنامه دیوان و عضویت در آن و همراه کردن دیگر کشورها، قدرت شورای امنیت را کاهش و دیوان را به ابزار قدرتمندی در مقابل کشورهای استعمارگر قرار دهد که موجب تعدیل قدرت در جهان می گردد. اما این نظریه که دیوان در کاستن قدرت شورای امنیت موثر خواهد بود. موجب می شود که ایران از این فرصت جهت همراه کردن کشورهای اسلامی و غیر اسلامی جهت تقویت دیوان و کاهش قدرت شورای امنیت استفاده کند یعنی اینکه وحدت بین المللی ایجاد می شود و نکته مهم این است که عدم الحاق ایران به دیوان موجب رفع مسولیت کیفری از ایران نخواهد شد. چرا که اساسنامه دیوان جنبه عرفی پیدا کرده‌اند و نقض این قوانین توسط جامعه بین الملل محکوم خواهد بود نکته قابل توجه آنکه یک مزیت مهم برای ما می باشد این است که ایران با تصویب اساسنامه دیوان و پذیرفتن صلاحیت آن با یک محکمه بین المللی روبرو هستیم که کل جامعه بشری در آن مشارکت می یابند این بسی بهتر از این است که با عدم الحاق خود به دیوان با محاکم اختصاصی شورای امنیت که ایران هیچ نقشی در تنظیم اساسنامه آن ندارد مواجه شویم. از طرفی اگر ما تصمیم بگیریم که به دیوان ملحق نشویم نخستین سند ضمانت اجرایی بین المللی را از دست داده ایم و اگر در این اوضاع و احوال به ما تجاوز شد به هیچکس و هیچ نهادی نمی توانیم پناه ببریم. از دیگر مزایای الحاق ایران به دیوان معرفی قضات و دادستان و کارکنان ایرانی به دیوان می باشد که بار علمی و بین المللی در جهت دفاع از حقوق اتباع خود دارد اما یکی از ایرادات وارده به الحاق ایران به دیوان را می توان قاعده نفی سبیل ذکر کرد. که به معنی عدم تسلط بیگانگان بر مسلمانان می باشد که آن را ممنوع میدانند و چون قوانین ایران بر پایه موازین اسلامی می باشد از نظر فقهی و حقوقی و کیفری باید تابع موازین اسلامی باشد بنابراین رعایت قاعده نفی سبیل در اسلام از اصول مهم می باشد و به استناد اصل سوم - بند۵ اصل یکصد و پنجاه سوم قانون اساسی ایران تأکید به قاعده نفی سبیل کرده است که این موضوع یکی از موارد چالشی عدم الحاق ایران به دیوان بین المللی کیفری است. همسو سازی قوانین داخلی با مقررات مربوطه به اساسنامه دیوان بین المللی کیفری از بعد آثار الحاق ایران به دیوان اهمیت زیادی دارد. الحاق ایران به دیوان می تواند تحت عنوان یکی از اعضاء کنفرانس کشورهای اسلامی و اجماع با دیگر کشورهای اسلامی جهت دفاع از حقوق مسلمانان مخصوصاً مردم فلسطین و دیگر مسلمانان که در هر جای دنیا مورد ستم واقع شده‌اند. در دیوان طرح موضوع کرد و این به معنای، قوی تر شدن کشورهای اسلامی و ایران و ابزار قدرتی در دست کشورهای اسلامی و ایران جهت پیشگیری از هر گونه سوء استفاده و سلطه کشورهای استعماری بر کشورمان شود. این مورد برای منافع ملی ما مفید می باشد. و عملاً می توان قدرت شورای امنیت جهت استفاده از برای و سیاسی بر کشور را کاهش داد و اینکه که پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت مطرح است ایران برای کاهش فشار از سوی شورای امنیت و کشورهای غربی می تواند پرونده‌های مشابه ای را در همان کشورها در دیوان مطرح و پی گیری کند. که خود راه مهمی در صحنه‌های بین المللی است و این مسئله حافظ منافع ملی ایران می باشد. نکته مهمی که می توان به آن اشاره کرد مزایای عدالت کیفری بین المللی در دیوان می باشد.

### مردم خیلی مشکل دارند

کژ منوچهر حبیبی



در شماره پیش (۱۳۶۴) این نشریه از مصباحی مقدم رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در پاسخ به این سوال که با افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی تورم، مشکلات معیشتی مردم هم بیشتر خواهد شد، چه فکری برای آن خواهید کرد، نقل شده بود که ایشان گفته‌اند: مردم طی یکی دو سال اخیر مقداری مصرف بنزین را کاهش دادند مشکلی برایشان پیش نیامد و خیلی خوب مدیریت می کنند. وقتی قیمت بنزین بالا برود سفرها را به گونه‌ای ترتیب می دهند که طول سفر کاهش پیدا کند یا تعداد ماشین‌ها را کاهش می دهند در ضمن بنزین نهاده‌ای نیست که روی قیمت سایر کالاها تأثیر بگذارد شاید از نظر روانی اثر سویی بگذارد اما قابل کنترل و مهار است. وی ادامه داد که تجربه نشان داده که اگر فضای روانی جامعه مثبت باشد این کار خیلی مشکل نیست. سال اول که قیمت بنزین افزایش یافت مگر این طور نبود که ذهنیت جامعه مثبت بود قیمت بنزین ۷ برابر شد اما آیا واکنش مردم افزایش قیمت در سایر کالاها یا مگر تورم بالا رفت؟

نه این اتفاقات نیفتاد این مسئله برای مردم توجیه پذیر بود چون مردم فکر می کردند که قیمت بنزین خیلی بی معنا و بی خوداست و کمتری از قیمت آب خوردن شده است. خوب اگر به همین بخش از سخنان ایشان توجه کنید و آن را سبک و سنگین کنید به نکات مهمی می رسید که واقعا جای بحث دارد اول آن که وقتی صحبت از کاهش مصرف می کنند این امر ناشی از خواست واقعی و نیاز ضروری مردم نبوده است بخشی از کاهش مصرف به خاطر محدودیت مصرف بنزین سهمیه‌ای (۴۰۰۰ ریالی) است و عدم توان مالی شماری از مردم و مصرف بنزین آزاد (۷۰۰۰ ریالی) است و استفاده پرهزینه (اصطلاحاً) مصرف گاز است که علاوه بر خطرات جانی و مالی بر سلامت خودروها تأثیر گذاشته است. دوم بحث کاهش سفرها در ایام تعطیلات نوروز و تابستان یقیناً بخشی از جامعه ناخواسته از مسافرت محروم و بازمانده‌اند چرا که توان مالی شان با تورم افسار گسیخته به شدت کاهش یافته طوری که ایران گردی شان به استان گردی و یا از استان گردی به شهرستان گردی و یا حتی به خانه نشینی تنزل یافته است، در مقابل آن قشری که بابت نوسانات ناشی از افزایش کالا و خدمات و به ویژه بنزین به ثروت عظیمی دست یافته‌اند چنان این مساله رونقی در زندگی شان ایجاد کرده که علاوه بر آن که خودروهای چند صد میلیونی سوار می شوند از مشتریان پر و پا قرص سفر به خارج از جمله بندر آنتالیا (ترکیه) هستند. سوم این که ایشان می فرمایند ذهنیت مردم مثبت است!



آیا بدان معناست که سکوت مردم در مقابل این نوسانات قیمت ها و گرانی مسانم سوز عاشق رضاست؟ توقع ایشان چه بوده است که مردم باید انجام می دادند تا مجلس نشین‌ها بدانند که مردم مشکل دارند؟ آن هم چه مشکلاتی بابت این جلوی هر معضل و مشکل را با تدابیر و راهکار مناسب می توان گرفت مبارزه با قاچاق سوخت آن هم در استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان و یا کردستان و ... را نیز می توان گرفت متأسفانه این ادعا همچون بالا رفتن قیمت نان به منظور ارتقای کیفیت آن هم داستان است واقعا چرا وقتی چاره‌ی جبران کسری بودجه را در بالا رفتن قیمت بنزین و دیگر حامل‌های انرژی می بینند صحبت از مبارزه با قاچاق و یا بالا بردن کیفیت‌ها می‌شود بنابراین به این نماینده مجلس و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه توصیه می‌شود که به جای افزایش فشار بر مردم و مشکل دار تر کردن مردم، مشکلات مالی و پولی کشور را از راه‌های معقول و منطقی همچون نظارت بیشتر بر بربز و بیاش‌های دولت (در دولت نهم و دهم) متمرکز کنید و تلاش کنید فشار بر مردم و مشکل دار تر کردن مردم، مشکلات مالی و پولی کشور را از راه‌های معقول و منطقی همچون نظارت بیشتر بر بربز و بیاش‌های دولت (در دولت نهم و دهم) متمرکز کنید و تلاش کنید تا تحریم‌ها اثر سوء خود را کاهش دهند و بودجه‌نهادها و سازمان‌ها و واقعی تر نمایند یقیناً اگر جدی تر واقع بینانه تر با رانت‌ها و مفسدان اقتصادی برخورد کنید نتیجه صد البته بهتر و مشکلات مردم یقیناً کاهش می‌یابد در ضمن بهای آب از بهای بنزین می‌تواند در در زمان‌هایی بسیار با ارزش تر و گران تر باشد پس قیمت تصنعی آب ملاک نرخ گذاری نیست.

### عباس خادم الحسینی از نقش هورمون‌ها می‌گوید



و بیشتر شاداب و با نشاط نگه دارد و از طرف دیگر به میزان کافی ترشح نشدن دوپامین علاوه بر این که در دروازه‌ها برای حمله‌ی لشکر غم و ناراحتی باز نگه می‌دارد و از اوقات شاد زندگی می‌کاهد، می‌تواند مشکلات روانی و حتی جسمی خطرناکی را برای فرد به وجود بیاورد. به عنوان مثال بیماری پارکینسون که یک بیماری دستگاه عصبی مرکزی است، هنگامی رخ می‌دهد که نواحی خاصی از مغز، توانایی خود را در تولید دوپامین از دست می‌دهند. حال که تا حدی با هورمون دوپامین و تأثیر آن بر زندگی آشنا شدید شاید مهم‌ترین سوالی که در ذهن تان پدید آمده، این باشد که راه ترشح این هورمون چیست؟ انجام چه کارهایی می‌تواند موجبات تحریک نواحی مغزی که کار تولید دوپامین را بر عهده دارند را فراهم کند؟ آیا عوامل تأثیر گذار بر ترشح این هورمون شادی آور، کاملاً درونی هستند یا عوامل بیرونی هم می‌توانند بر آن تأثیر بگذارند؟

خوشبختانه باید بگویم که نه تنها بیشتر این عوامل، بیرونی هستند بلکه انجام‌شان نیز بسیار ساده، راحت و کم هزینه است. یعنی خود شما می‌توانید خیلی راحت و سهل الوصول با نحوه‌ی عملکردتان موجبات ترشح دوپامین را در مغز فراهم کنید و از مزایای آن بهره‌مند شوید.

خواندند با شنیدن لطیفه‌های بازمه، دیدن فیلم‌ها و سریال‌های کمدی، بدله‌گویی و شوخ طبعی، خندیدن و شادی کردن، انجام ریلکسیشن یا خود آرام سازی، شنیدن خبر خوش، مشغول شدن با سرگرمی‌های لذت بخش و جالب، خوردن یک غذای مورد علاقه و دلچسب، دیدن فیلم‌هایی که دوست دارید، گفتگو با کسانی که از هم صحبتی با آنها لذت می‌برید و... همه و همه می‌توانند باعث ترشح دوپامین در مغز شوند.

یکی دیگر از هورمون‌هایی که در کار تولید و ایجاد نشاط و شادایی درونی نقش موثری ایفا می‌کند هورمون سروتونین است. سروتونین، هورمونی است که از پایانه‌های عصبی در مغز ترشح می‌شود و ترشح آن منجر به ایجاد حس آرامش، سرخوشی، نشاط و شور و شوق در فرد می‌گردد. علاوه بر این، ترشح مداوم سروتونین، حس خوش بینی و رضایتمندی را در فرد افزایش می‌دهد و از تنش‌های درونی می‌کاهد.

روان‌شناسان سروتونین را داروی ضد افسردگی، ضد بی‌حوصلگی و دشمن بی‌حالی و کسلی می‌دانند.

ترشح این هورمون، نه تنها فرد را از حالت‌های عاطفی نامناسب و مخربی مثل غمگینی، حسرت، دل‌تنگی و دلگیزی خارج می‌کند بلکه می‌تواند سطح انرژی جسمی و روانی را نیز بالا ببرد. کاهش ترشح این هورمون در بدن می‌تواند موجب بروز افسردگی، عصبانیت و پرخاشگری را فراهم کرده و حس مبارزه‌جویی فرد را تقویت کند.

جالب است بدانید که اغلب داروهای آرام بخش و یا دیگر داروهایی که برای درمان افسردگی تجویز می‌شوند، سازنده‌های هورمون سروتونین هستند یعنی موادی شیمیایی هستند که پس از ورود به بدن، مقدمات ساخت و ترشح سروتونین را فراهم می‌آورند و این مساله تأثیر فوق العاده‌ی سروتونین را بر نوع و شدت احساسات آدمی نشان می‌دهد.

از آنجایی که میزان ترشح سروتونین رابطه‌ی مستقیمی با خلق و خوی افراد دارد، می‌توان سروتونین را یکی از مهم‌ترین تنظیم‌کننده‌های احساسات و حالات روانی به حساب آورد. از همین رو بسیار ضروری است که بدانیم

### دود ماشین‌های اشخاص مر ف و راحت طلب نباید در چشمان مردم بیگناه فرورود

کژ امان اله زارع

باید در بافت قدیمی عرصه را برای ناوگانهای مسافر کشی عمومی باز کرد هر چند برای شخصی سواران متکثر شود اگر درصفاهان ترافیک روان است نه فقط بدلیل ساختار فیزیکی مطلوب ساختمانی زیر گذر روپل میباشد بلکه مد یون فرهنگ شهروندی و استفاده بهینه از وسایط نقلیه شخصی است.

رفع معضلات ناشی از عدم قلاچیت مدیران سابق آنهم بعد از قرفا امریت محال غیر ممکن. اما با فرهنگ سازی و تجهیز ناوگانهای اتوبوسرانی و تاکسیرانی و تخصیص خطوط ویژه امکانپذیر خواهد بود تا کنون چه اقدامات فرهنگی جهت استفاده کمتر از خودروهای شخصی در بافتهای قدیمی شهر صورت گرفته است؟ مردم شیراز دارای شعور و فرهنگ والا هستند اما این دلیل نمیشود که هر شهروند خود یک کارشناس ترافیکی باشد. باید با تبلیغات دانش شهروندی مردم را بالا برد معضلات ناشی از کمبود دهها پل و زیر گذر را می توان بالا برد دانش شهروندی جبران کرد.

جناب شهردار بجای مشغول داشتن فکر شان پیرامون خرید املاک میلیمتری میلیونها ریال باید ناوگان حمل ونقل عمومی را در بافت قدیم تجهیز نماید. همان گونه که قیاحت کشیدن سگواران اما کن سر بسته و معابر عمومی در هیچ کس پوشیده نیست همگان نیز باید بدانند که بر مرکب آهنین نشستن و در خیابانهای کم عرض ونفس گیر ربه‌های خلق خدا را بر از انبندید کربینک کردن نیز قیاحت دارد باید سطح دانش شهروندی را به آجا رساند که استفاده از خودرو شخصی در مسیرهای پر تردد برای انجام کارهای کوچک و غیر ضروری را نشانه‌ی فرهنگی دانست.

در هیچکدام از کلان شهرها و مراکز استان های کشور مثل شیراز بی رویه از خودروهای شخصی استفاده نمیشود! یزنم به تخته، چشم مسود کور در حیات بیشتر خوانواده های مر فقه با تعداد افراد بارانه بگیر شان ماشین پارک است! آقای شهردار وسایر مسولین ترافیکی باید در یکی از ساعات پر تردد یک روز کاری واحد شهری سوار شوند و یک روز هم تاکسی، تا بهتر بتوانند تصمیمات مقتضی را اتخاذ نمایند. البته باید خیلی مواظب باشند خدای تا کرده صدمه نبینند! نه اینکه یک دستگاه اتوبوس لو کس مختص منطقه لر دشین در منزل آقای شهردار برود وسوارش کنند. نه اینکه در خانه بمانند تا یک سمند در مدل ۹۲ کرب منزل بفرمند باید پای پیاده به یکی از ایستگاه های اتوبوس تشریف ببرند و چنانچه بر حسب تصادف و قضا و قدر یک دستگاه اتوبوس کولر دار آمد سوار نشوند و بمانند تا یکی از آن صدها اتوبوس غرضه تاریخ مصرف گذشته‌ای که کولرهم ندارند بیاید وسوار شوند. البته بر حسب وظیفه و احترام لازم ییاد آوریست که آقای شهر دار باید اگر در اتوبوس سر پا ایستاده باشند مواظب باشند هر بار که آقای راننده ترمز می کند و همه مسافر ان سریایی مانند امواج دریا روی هم می غلظند مشکل برایشان رخ ندهد!! روزی هم که می خواهند با تاکسی بافت قدیم شهر را دور بزنند تحمل کنند. نه اینکه در خانه بمانند تا یک سمند در مدل ۹۲ کرب منزل بیاید و راننده دوبانه درب عقب را برایشان باز کند. ایشان زحمت بکشند سر خیابان تشریف ببرند تا یکی از هزاران پیکان های رنگ و رو رفته‌ای که حتی شیشه‌ها شان هم بالا و پایین نمی کنند و عرق راننده هم باد گرم پنکه کوچکی که روی داشبوردش نصب شده خشک می شود جلو پایش ترمز کند.

یقینا جناب شهردار که با این حال افکارش از زیر بار سنگین و غلیظ پل و زیر گذر و هل دادن ساختمانهای سر چهارراه‌ها به اینطرف و آنطرف خلاص شده به فکر تجهیز ناوگان حمل ونقل عمومی می افتد و در همان تاکسی که نشسته تصمیم به جایگزین نمودن و از در خارج کردن اتوبوس ها و تا کسی های تاریخ مصرف گذشته می گیرد.

ادامه دارد...